

264-123

۲۶۴-۱۲۳

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داری دعاری ایران - ایالات متحدہ

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

123

Case No. 264

Date of filing: 12 NOV 86

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
 - Date of Award \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of Mr Moslafari  
 - Date 12 Nov 86  
 \_\_\_\_\_ pages in English - 11 pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

123

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	12 NOV 1986 تاریخ
	۱۳۶۵ / ۸ / ۲۱
No.	264 شماره

بنام خدا

پرونده شماره ۲۶۴

شعبه اول

رای شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴



هنری اف . تایکمن

کارنگی فاندري اند ماشین کمپانی،

خواهانها،

- و -

شرکت شیشه همدان،

خواننده.

نظر مخالف محسن مصطفوی

من در مواردی با رای پرونده حاضر موافق نیستم اهم این موارد را با ذکر دلائل آن  
ذیلا" تشریح میکنم:

۱- خواهان خواسته خود را طی جدولی که متضمن پنج ادعا است و در رای نیز به آن  
اشاره شده مطرح نموده است. این پنج ادعا عبارتست از ۱- کرایه حمل و نقل داخلی

۲- ودیعه ۳- ساختمانی ۴- تغییرات سفارشها ۵- متفرقه. او بشرح مندرج در دادخواست نسبت بهریک از انواع ادعاها مبالغی را مطالبه کرده است. خوانده در قبال این ادعاها از جمله دفاع میکند که از بابت کالاهای بالتیمور که آنرا وصول نکرده است مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار به خواهان پرداخت نموده و لذا باید یا کالاها تحویل شود و یا این مبلغ بانضمام مبالغ اضافی که خوانده برای تهیه کالاهای جایگزین آن پرداخت نموده، باو پرداخت گردد. باوجود اظهارات معارض خواهان در لوایح یا توضیحات شفاهی که گاه وصول قیمت کالا را اقرار و گاه انکار نموده، بر مبنای محاسبات ارائه شده از طرف خواهان باتفاق باین نتیجه رسیدیم که خواهان این وجوه را وصول نموده و انکار وی ناصحیح است. لکن اکثریت استدلال میکند:

" تایکمن به سهم خود کالا را تولید یا تهیه و کوشش کرده بود که آنها را به ایران حمل کند ولی شرایطی که در حکم فرس مازر بود مانع این کار شد. در چنین حالتی، دیوان در رابطه بین طرفین این اصل را اعمال می کند که زیان باید جایی که وارد شده بماند و در این مورد زیان را متوجه شیشه همدان می داند. پس از آنکه معلوم شد که صدور کالا امکان ندارد فروش مجدد کالا توسط تایکمن برای محدود ساختن زیانهای وارده موجه بود. بنابراین تایکمن قرارداد را نقض نکرده بود که ملزم باشد مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار معادل بهای کالای بالتیمور، به شیشه همدان بپردازد. ولی شیشه همدان حق دارد مبلغ ۳۹،۹۷۴/۴۳ دلار عواید حاصل از فروش مجدد کالا را که تایکمن دریافت کرده بود وصول کند."

بموجب مدرکی که خواهان ارائه داده این کالا در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۲ بفروش رفته است و بنابراین باید خواهان ثابت میکرد که در این تاریخ ارسال کالا بمقصد ایران برای وی بعلت وجود فرس مازر غیر ممکن بوده است. حال آنکه فرس مازر منعکس در لوایح خواهان برای تحویل کالا تنها مربوط به اواخر سال ۱۹۷۸ یا اوائل ۱۹۷۹ است و به زمان پس از آن تسری ندارد. لکن متاسفانه اکثریت نه تنها این اظهار بی دلیل را پذیرفته بلکه دعوی خارج از حدود صلاحیت را نیز قابل رسیدگی دانسته است. اختلاف

طرفین تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ تنها به پنج مورد دعوی مذکور در فوق محدود بوده است و بنابراین در مقابل دفاع خواننده باینکه وی در قبال کالاهای بالتیمور وجوهی به خواهان پرداخت نموده بدون آنکه کالا را دریافت کند، دیوان میبایست تنها در اینخصوص اتخاذ تصمیم نماید که آیا پول این کالاها وصول گردیده است یا خیر. بدین ترتیب دیوان نمیبایست بدعوائی که منشاء آن در ۹ اوت ۱۹۸۲ یعنی تاریخ فروش کالا ایجاد شده و ناشی از فروش رفتن کالا به قیمت کمتری از بهای اصلی آن بوده است رسیدگی نماید. بعبارت دیگر این دعوی از این جهت ایجاد شد که کالاها در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۲ به قیمت کمتری بفروش رفت و خواهان خواستار جبران مابه‌التفاوت آن بود که بدیهی است چون این ادعا پس از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ بوجود آمد خارج از حدود صلاحیت دیوان قرار خواهد گرفت.

همانطور که گفته شد خواسته خواهان محدود و منحصر به پنج مورد مذکور در فوق بوده است که خود در دادخواست تقدیمی بدیوان آنرا عرضه و بعنوان خواسته مطالبه کرده است. وکیل خواهان در تشریح و توضیح دعوی مطروحه در خصوص کالای بالتیمور در جلسه استماع مقدماتی توضیحاتی داده که بهتر است به تمام و عین اظهارات وی توجه کنیم:

" Mr. Kotarba then furnished an explanation as to what had happened with the Baltimore goods. As the shipping company refused to load the goods, and as consequently no bill of lading was issued, no draw-down could be made on the letters of credit for their value. Title to the goods had not passed, and the goods had been moved to a warehouse, where they had stayed for about two years. After being sold in an auction, Teichmann had retained the proceeds of \$39,000.00. Mr. Kotarba added that no invoice had ever been sent to Hamadan for payment of the Baltimore goods nor was any claim for their value included in the Statement of claim. He pointed out that a claim was made

for the cost of storing the goods; that claim was made under the "miscellaneous" heading of schedule 8 of the letter of 18 August 1980." (Pre-hearing Minutes, p.6)

وکیل خواهان در این توضیحات به سه نکته اشاره میکند: اول آنکه مالکیت کالا بایران منتقل نشده بود. دوم - خواهان هیچ صورت حسابی از این بابت ارسال ننمود و در واقع خواسته‌ایرا مطرح نکرد و سوم اینکه خواهان وجهی از بابت این کالاها دریافت ننموده است. دیوان در بررسی خود باین نتیجه رسیده است که قیمت این کالاها دریافت شده ولذا نکته‌ای مهم از اظهارات وکیل خواهان باقی خواهد ماند که بعنوان آخرین درخواست خواهان از دیوان قابل توجه است و آن اینکه:

" no invoice had ever been sent.... nor was any claim for their value included in the statement of claim".

بنابراین روشن است که خواهان از بابت کالاهای بالتیمور درخواستی مطرح ننموده و اقلام دعاوی پنج گانه وی نیز بوضوح نشان میدهد چنین دعوائی مطرح نشده است. لذا پس از آنکه دیوان احراز نمود قیمت کالای بالتیمور پرداخت شده و خواهان نیز صریحا اظهار میدارد از بابت این کالاها هیچ ادعائی مطرح نکرده است اعطای هرنوع اعتباری به خواهان از بابت این کالاها در واقع حکمی است که زائد برخواسته صادر شده است. هرچند مبلغ محکومیت کمتر از رقم خواسته مندرج در دادخواست میباشد، لکن این موضوع ربطی به ادعای مربوط به کالای بالتیمور ندارد. زیرا در خصوص کسری قیمت ناشی از فروش کالای بالتیمور اصولا دعوائی مطرح نشده است تادیوان بتواند بنظر خود جبران خسارت نماید بدین ترتیب در واقع صدور حکم بنفع خواهان در این مورد صدور حکم زائد بر میزان خواسته است. برای پاسخ باین اشکال اکثریت چنین استدلال میکنند:

"اجازه دادن به تایکمن برای نگاهداشتن مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار پرداختی فرضی، ممکن است در نظر اول چنین جلوه کند که به وی مبلغی بیش از خواسته‌ای که بدو" در دادخواست خود مطالبه

کرده بود، داده می شود. ولی نتیجه گیری که دیوان از واقعیات به عمل آورده است مبانی مفروض خواسته را که در دادخواست تایکمن آمده است یعنی اینکه بهای کالا پرداخت نشده بود از درجه اعتبار ساقط می کند. عدم ذکر تقاضای خاصی در طرح ادعا به شق دیگری که پیش بینی احتمال مخالف را کرده باشد نباید خواهان را از برخورداری از نتیجه گیری دیوان که با فرض اولیه مندرج در دادخواست متفاوت است، محروم کند. به همین نحو، ایرادی به حق هیچیک از طرفین مبنی بر اینکه در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) ادعائی پابرجا نبوده وارد نیست.

گذشته از آنکه پس از قبول پرداخت شدن مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار، "فرضی" تلقی کردن آن بی معنی است، لکن اصولاً موضوع روشن تر از آنست که با کمک الفاظ بتوان حقیقت بینی را انکار کرد. خواهان پنج قلم دعوی، با مبالغ معین مطرح کرده است ولی در هیچیک از آنها جبران خسارت ناشی از فروش رفتن کالای بالتیمور به قیمت کمتر وجود ندارد. باید توجه داشت که این دعوی آنگونه که اکثریت تفسیر می کند جایگزین اقلامی از خواسته نشده است تا استدلال آنان را موجه کند، بعلاوه اگر چنین دعوائی نیز بعداً مطرح شده باشد پس از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ بوجود آمده که خارج از حدود صلاحیت دادگاه است. این دیوان که برای رد دعاوی مربوط به مالیات و حقوق بیمه اجتماعی خوانندگان ایرانی اساس دعوی و دفاع را تجزیه کرده به معاذیری منجمله اینکه حق مطالبه ناشی از مالیات یا بیمه اجتماعی که پس از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ برآورد شده خارج از حدود صلاحیت دیوان قرار می گیرد، نمی تواند در این مورد به عکس این استدلال متوسل شود و ادعائی را که بطور وضوح در ۹ اوت ۱۹۸۲ بوجود آمده به بیانی که منطقی در آن دیده نمی شود آنها را در صلاحیت دیوان بداند. (۱) خواهان علت فروش کالا را چنین تعلیل میکند:

---

(۱) رجوع شود به رای شماره ۱-۲۸۹-۲۵۳ دعوی مک لافلین اینترپرایز لیمیتد علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و اینفرمیشن سیستمز ایران.

" بعلت افزایش هزینه‌های انبارداری و از بین رفتن تجهیزات پس از سالها کوشش بلائمر جهت پذیرفتن کالاهای مذکور توسط خواننده و پس از دادن اخطار لازم به خواننده، کالاها بفروش رسیدند" (مدرک ۲۶ صفحه ۳۲).

این ادعاها یکسره باطلند و خواهان هیچ مدرکی برای اثبات آن ارائه نداده است. بعلاوه این تعلیل معارض توجیهی است که بعداً برای فروش کالاها در جلسه استماع مقدماتی عنوان میشود. در حالیکه در این لایحه علت فروختن کالا کوشش بلائمر خواهان "جهت پذیرفتن کالاهای مذکور توسط خواننده" عنوان میگردد بعداً در جلسه استماع مقدماتی "بسیب امتناع شرکت حمل و نقل از بارگیری" و در نتیجه فرس مائر عنوان میشود. در صورتیکه نه امتناع خواننده از تحویل گرفتن کالا باثبات رسیده است نه برای ادعای وجود فرس مائر در تاریخ فروش کالا در ۹ اوت ۱۹۸۲ دلیلی ارائه شده است. در حالیکه خواننده طی دو تلکس بتاریخ دوم و دهم سپتامبر ۱۹۸۰ به خواهان اعلام میکند بعلت انقلاب ایران و تغییر و تحولات ناشی از آن به فهرست کالاهای موجود در بالتیمور دسترسی ندارد و لذا درخواست مینماید فهرست این کالاها برای وی ارسال شود، معهداً خواهان بعذر آنکه این فهرست قبلاً ارسال شده و ارسال مجدد آن مستلزم صرف وقت است از اجابت درخواست خواننده امتناع میکند و تادوسال دیگر این کالاها را که وجه آنرا نیز دریافت کرده بود در انبار نگه میدارد و سرانجام آنرا به ۳۹،۰۰۰ دلار بفروش میرساند. باتوجه باینکه خواننده محکوم شده است انبارداری این کالا را بمبلغ ۱۹،۵۶۵ دلار پرداخت کند، درواقع درقبال کالائیکه ۳۶۳،۰۰۰ دلار پول پرداخت شده است پس از کسر انبارداری تنها ۱۹،۴۳۵ دلار به خواننده اعتبار داده میشود. این تصمیم در حالی اتخاذ میگردد که هیچ مجوزی برای فروش این اموال در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۲ که تمام موانع ارسال آن مرتفع بوده، وجود نداشته است، بلاخص که خواننده از دوسال قبل نیاز خود را بآنها طی تلکسهای فوق الذکر اعلام نموده و حتی اظهار امیدواری کرده بود مسئول اجرای قرارداد از کارخانه همدان بازدید کند " تا در مورد چگونگی امکان اقدامات دوجانبه بعدی بحث نمایند."

اگر آخرین درخواست و توضیح خواهان را که در جلسه استماع مقدماتی بدیوان عرضه شده است ملاک قراردسیم بعلت عدم انتقال مالکیت این کالاها به خواننده هرنوع ضرری که از بابت فروش آن ایجاد شود متوجه خواهان است، زیرا خود تصریح مینماید که از بابت آن ادعائی مطرح نکرده است. واگر اظهار قبلی خواهان را ملاک قرار دهیم که بعلت افزایش هزینه‌های انبارداری و بسبب آنکه خواننده از تحویل گرفتن کالا خودداری کرده و لذا خواهان پس از اخطار لازم آنرا بفروش رسانیده، از آنجهت که نه اخطاری به خواننده شده است و نه خواننده از تحویل گرفتن آن خودداری نموده چون برای هیچیک از این ادعاها دلیلی اقامه نشده باز هم نمیتوان خواننده را مسئول دانست.

آخرین نکته قابل توجه اینست که فروختن کالائی که قیمت آن ۳۶۳،۰۰۰/- دلار بوده به ۳۹،۰۰۰/- دلار در قبال تنها ۱۹،۵۶۵ دلار انبارداری "بعلت افزایش هزینه انبارداری و از بین رفتن تجهیزات" در حالی که کالا از نوع کالای فاسد شدنی نبود به هیچ وجه موجه نیست و علی رغم نظر اکثریت که گفته است "فروش مجدد کالا توسط تایکمن برای محدود ساختن زیانهای وارده موجه بود" اقدام خواهان دقیقاً "بعمد و قصد موجب اضرار خواننده شده است.

۲- خواننده در دادخواست متقابل خود از جمله اعلام میدارد که بعلت بکار بردن آجر نامناسب در کوره مبالغی متضرر شده و لذا درخواست نموده است کارشناسی تعیین شود تا دراینخصوص اظهار نظر و ضرر وارده را نیز مشخص نماید. این یک درخواست روشن و منطقی است لکن اکثریت بجهاتی و از جمله بعذر آنکه چون خواننده تا قبل از ثبت دادخواست شکایتی از آن نکرده درخواست را مردود دانسته است. این استدلال بسیار عجیب مینماید زیرا وقتی اکثریت برای تثبیت موضع خواهان جهت پرداخت کسری قیمت فروش کالای بالتیمور، باوجود آنکه در دادخواست مطرح نشده چنین استدلال میکند:

" عدم ذکر تقاضای خاصی در طرح ادعا به شق دیگری که پیش



بینی احتمال مخالف را کرده باشد نباید خواهان را از برخورداری از نتیجه گیری دیوان که با فرض اولیه مندرج در دادخواست متفاوت است، محروم کند."

بطریق اولی وقتی دعوائی در دادخواست مطرح است بعد از آنکه چون تا قبل از دادخواست شکایتی نشده نمیتوان درخواست را رد نمود. این تناقض استدلال و اتخاذ موضع نابرابر در برابر خواهان و خواننده غیرعادلانه و سخت مذموم است. علاوه بر این همانگونه که دیوان خود متوجه شده است بروز اشکالات در کوره آشکار است، بنابراین عدم شکایت خواننده را نمیتوان قرینه‌ای بر عدم وجود اشکالات تلقی کرد. این حق خواننده است که وقتی ملاحظه میکند خواهان دعوائی علیه وی مطرح نموده است اونیز دعاوی متقابل خود را مطرح سازد. رد درخواست خواننده باین استدلال، در واقع محروم ساختن وی از حق دفاع است. اما اکثریت علاوه بر این استدلال بدلیل دیگری نیز درخواست خواننده را مردود اعلام میکند. استدلال اکثریت چنین است:

" آقای مکین تأیر در جلسه استماع ..... توضیح داد که انتخاب نوع آجر برخلاف توصیه تایکمن صورت گرفته بود زیرا آن نوع خاص آجر سابقه پردردسری داشت."

خواهان خود در لوائح خویش چنین مطلبی بیان نمیکند بلکه صریحا" اقرار دارد:

"طرح کوره و خصوصیات مواد آن همگی مطابق طرق و اصول عمومی و قابل قبول مهندسی بوده که در مشخصات فنی همانطوریکه مذاکره گردیده و توسعه داده شده مابین تایکمن و همدان توصیف گردیده است. نوع مناسب آجر بکار رفته و با آنکه مرغوبتر از حد مقرر شده در قرارداد بودند آجر از نوع سیولایت در یک منطقه بنام محل تارگت یعنی محلی که فرسودگی زیاد صورت میگیرد بکار رفت. در تمام مناطق دیگر تایکمن آجرهای فوق العاده مقاوم بحرارت بکار برد نه اینکه آجرهای از نوع منگنز زیرا که همدان قصد داشت نفت از نوع تولیدکننده وانادیوم در عملیات کوره خود بکار برد." (تاکید اضافه شده است مدرک ۲۶ صفحه ۳۷) (۱)

---

(۱) نامفهومی متن ناشی از التزام به نقل عین عبارات ترجمه فارسی است.

بدین ترتیب اگر خواهان در جلسه استماع چنین ادعائی کرده باشد که:

" انتخاب نوع آجر برخلاف توصیه تایکمن صورت گرفته بود."

این ادعا خلاف اظهارات کتبی او است و اکثریت که باین اظهار بعنوان دلیل تمسک شده است باید توضیح میداد چرا آنرا براظهار کتبی خواهان ترجیح داده است. بعلاوه وقتی ما از صورت جلسه استماع سابقه‌ای در اختیار نداریم متمسک براظهاراتیکه تنها بر مبنای حافظه نقل میشود نمیتواند مستند باشد ولی بهر حال این سوال همیشه بی پاسخ خواهد ماند که چرا خواهان این بیانات را در لوایح کتبی خود عنوان ننمود؟ تنها نتیجه‌گیری که میتوان کرد اینست که اکثریت برای رد درخواست خوانده بمنظور گریز از مشکلات تعیین کارشناس بدنبال متمسکی بوده و این متمسک را در اظهاراتی دیده است که هیچ سابقه‌ای در این دیوان از آن ثبت نمیشود و بنابراین باستناد آن میتواند خود را از درگیری باموضوع انتخاب کارشناس خلاص کند.

۳- اکثریت دعوای متقابل خوانده‌را در خصوص خسارات ناشی از عدم تحویل کالاهای موجود در بالتیمور باین شرح مردود میدانند. شیشه همدان مبلغ ۱۷۷،۸۸۵،۵۹۷ ریال که مدعی است صرف تهیه جایگزینی کالاهائی کرده که در بند بالتیمور باقی مانده است، مطالبه می کند. این ادعا تنها بر این مبنی قابل رسیدگی است که به عنوان خسارات ناشی از نقض قرارداد توسط تایکمن علیه وی مطرح شده باشد. چون عدم حمل کالاها از بالتیمور معلول اوضاع فرس ماژر بوده و نه نقض قرارداد، و چون همانطور که ملاحظه شد فروش مجدد کالاها موجه بوده، ادعای متقابل در این مورد بی اساس بوده و باید رد شود.

باتوجه باینکه تمام استدلال اکثریت در رد این دعوی در عبارات فوق منعکس شده است اینطور بنظر میرسد که اکثریت اصل صحت ادعا را در مورد دعوای خواهان بجای این اصل که بار اثبات دعوی بعهده مدعی است بکار برده است. زیرا باتوجه باینکه کالا در ۹ اوت

۱۹۸۲ بفروش رفته و در آن تاریخ قریب چهارسال از انقلاب ایران میگذشته و حتی بیش از یکسال ونیم از صدور بیانیه الجزایر منقضی میشده است و کلیه موانع بازرگانی اوائل سال ۱۹۷۹ نه تنها منتفی بوده بلکه بموجب بیانیه الجزایر، ایالات متحده در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ خود را متعهد ساخته بود "که تحرک و انتقال آزاد کلیه دارائیهای ایران موجود در قلمرو قضائی خود را ....تامین نماید" معلوم نیست فرس ماژر ادعائی در ۹ اوت ۱۹۸۲ از کجا سربرون کشیده است و چرا اکثریت از خواهان نخواستہ است تا در این مورد برای اثبات ادعای خویش دلیلی ارائه دهد.

بموجب بند ۳ ماده ۵ قرارداد در صورت وقوع فرس ماژر طرفین متعهد شده بودند که " فوراً" گرد هم خواهند آمد و در مورد اقدامات بیشتری که باید بعمل آید... تصمیم خواهند گرفت " این یک تکلیف قراردادی بوده است که مدعی فرس ماژر میبایست براساس آن اقدام میکرد. حال آنکه در سراسر پرونده حتی یک سطر نامه دیده نمیشود که خواهان از خواننده درخواست کرده باشد برای تعیین تکلیف این کالاها با یکدیگر ملاقات کنند. در صورتیکه بنا باظهار خواهان در طول مدتیکه فرس ماژر وجود داشته طبق ضابطه مندرج در این ماده طرفین برای تصمیم گیری با یکدیگر ملاقات میکردند. در بند ۵ دادخواست آمده است "برمبنای شرط مندرج در بند b مربوط به فرس ماژر خواهان درخواست ملاقات با خواننده نمود. این ملاقاتها چندین بار انجام گرفت". بنابراین ملاقات طرفین در موارد ادعای فرس ماژر بمنظور تصمیم گیری علاوه یک تعهد قراردادی سابقه عمل نیز داشته است که متاسفانه اکثریت خواهان را از این تعهد قراردادی و مسبوق به سابقه معاف میسازد. بعلاوه ادعای فرس ماژر در زمانی مطرح است که دولتین ایران و ایالات متحده بموجب ماده یک بیانیه حل و فصل اعلام کرده اند "ایران و ایالات متحده دعاوی مشروحه در ماده ۲ را از طریق توافق بین طرفین مستقیم دعوی حل و فصل خواهند نمود". بر همین مبنا بود که مذاکرات و توافقات و مصالحهها با انتقال کالا و پول بین طرفین اختلاف در سایر دعاوی و پروندهها در طی این زمان جریان

از این نظر نیز در پرونده حاضر هیچ مانعی برای انجام این تعهد قراردادی وجود نداشته است. تمایل خوانده بدریافت این کالاها از تلکسهای دوم و دهم سپتامبر بین و آشکار است وقتی در انتهای تلکس دوم سپتامبر ۱۹۸۰ اظهار امیدواری میکند تا مسئول اجرای قرارداد از کارخانه همدان بازدید کند " تا در مورد چگونگی و امکان اقدامات دوجانبه بعدی بحث و گفتگو نمائیم " و چون این کالاها را دریافت نمیدارد برای راه اندازی کارخانه ناگزیر میشود نظایر این اجناس را با قیمت بیشتر و از محل دیگری خریداری کند.

هرچند خواهان مدعی است قصد خود را دائر به فروش کالا به خواننده اعلام کرده است لکن هیچ دلیلی برای اثبات این ادعا ارائه نشده است. ظاهر قضیه اینست که اکثریت خواهان را از اقامه دلیل آزاد ساخته ادعاهای او را ثابت شده انگاشته است. تعجب من اینجا است که چگونه اکثریت خود را قانع ساخته است که بفرض اخطار خواهان برای تحویل این کالاها و تمایل وی به تحویل آنها و با آنکه خوانده قیمت این کالاها را پرداخت کرده حتی برای راه اندازی کارخانه بآنها نیاز داشته و ناگزیر بوده است مشابه آنها را با پرداخت مبالغ بیشتری از محل دیگر فراهم نماید، چنانباید کالاهای خود را تحویل گرفته بلکه با پرداخت پول آنها بمبالغ بیشتری آنها را از محل دیگری تهیه کند؟ یقیناً "اکثریت برای این سوال هیچ پاسخ منطقی نمییابد و من متاسفم از اینکه بدون تامل در حقایق پرونده چنین احکام غیر عادلانه ای صادر میشود و با چند سطر مطلب بی دلیل ادعای موجهی مردود اعلام میگردد.

لاسه، ۲۱ آبان ماه ۱۳۶۵ برابر با ۱۲ نوامبر ۱۹۸۶

مصطفوی

محسن مصطفوی